

## درباب یک نطق ویک خطبه !



### پیوسته گذشته فصل دوم قسمت هفتم :

#### ( بخش اول )

وقتی وارد صفحه شطرنج شدی چه خواهی و چه نخواهی تبدیل به "مهره" خواهی شد و "مهره" را نیز با بسیار آسانی و وعده های سر خرمن به بازی میگیرند ، افغانستان که از دیر صفحه ای از این شطرنج شده است و می بینیم که در این شطرنج زورمندان هرروز در گوشه ای و در خانه ای غوغاست هر جا قدرتی ، فرماندهی و آسب سواری است به تخت و تاز مشغول ! اکنون مدتی است که برخلاف قواعد بازی این شطرنج خونین هر قلدر و دیکتاتور و امپراطوری که مهره های از این صفحه سیاه شطرنج محسوب میشوند در گوشه ای و در محضری بر مفاخر و فضائل جنایات بر قربانیان و مردم ستم دیده و مظلومی خطبه سرائی می فرمایند . اینجاست که میتوان به یک نقطه اساسی که اکثریتی از روشنفکران تقریباً بیش از چهار دهه در تاریخ افغانستان به فراموشی سپرده اند عمیقاً مورد توجه قرار داد .

<https://www.youtube.com/watch?v=UVvEYc4OFsA>

از شما چه پنهان از همان روزیکه که مرحوم محمد داؤد یکی از سرداران مغرور خانواده ء سلطنتی برای اشباع غریزه قدرت خویش ، گروهی از نظامیان پائین رتبه ای را که ماسوا از شمشیر و تفنگ و گلوله باترمنولوژی دیگری آشنائی نداشتند بصورت کرائی و مزد بگیر بهره برد فاتحه تفکر تشکیلاتی به مثابه تنها موتور حرکت های آزادی بخش ملی اعم از مذهبی و "غیر مذهبی" نیز در یک هیاهوی فارغ از معنویت خوانده شد و از همان روز به بعد قدرت های استعمارگر بویژه اتحاد جماهیر شوروی سابق که از بسیار قبل نسخه های به میعاد گذشته ای مانند اصول مقدماتی فلسفه اثر ژرژ پلستر ، اثار فلسفی و انقلابی و لادمیر ایلیچ لنین و دیگر رهبران حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با ترجمه زبان فارسی که نویسنده گان نامدار حزب توده ایران ان را ترجمه می نمودند

<http://www.dailymotion.com/video/x6c6hqu>

در دسترس اعضا و رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار می‌گرفتند . نباید تعجب کرد که در جغرافیای افغانستان ماهیت اندیشه و تفکر مخالفان اندیشه های مارکسیستی منجمله احزابی که دین مقدس اسلام را نقشه راه همه عصر ها و در همه نسل ها معرفی میکردند بهتر از هواداران همکار چپ مارکسیستی شان نبوده است روی همین ملحوظ میتوان گفت که هردو جریان سیاسی از نگاه اندیشه یا موتور ی که بقا و ادامه تاریخی نهضت های آزادی بخش و اصلاح طلبی را تضمین میکنند باهم چندان تفاوتی نداشتند و در عصر حاضر نیز دو رویی یک سکه اند .



زیرا می بینیم که دو آتشه ترین احزاب چپ مارکسیستی چه آنهای که بصورت گروهی و یا هم با سوابق بسیار فعال خصوصی گذشته در تاریخ سیاسی کشور بدنه نظام کنونی حاکم بر سرنوشت مردم افغانستان را تقویت می بخشند و از این نظام بوقلمون و معجون گونه ای شبه سکولار! ، شبه مارکسیستی! ، شبه اسلامی و شبه دموکرات با قاطعیت و جدیت به دفاع برمی خیزند. اما هیچکسی ندانست که این عزیزان چپ اندیش از کدام بخش معجون " سیا سی " دفاع میکنند ؟ از سوی دیگر کسانی و نیروهای مذهبی ای که از مدینه فاضله و حکومت صد در صد اسلامی سخن می فرمایند بدون شک که تکه زردگونه ای از نظام مقدسی که با درج ماده سوم قانون اساسی افغانستان (در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.) به زعم مفتیان و مرشدان این طائیفه که عوام اند و گروگان ! هردو جهان ملت فقیر و در مانده افغانستان را تضمین میکند. و از این جهت تمامی شهروندانی که تصور میکنند با ویروس مخالفت با نظام مقدس جمهوری اسلامی افغانستان مصاب شده اند هر چه زود تر به مراکز و مساجد ذکرو استخاره بشتابند و گروپ خون شانرا معاینه کنند تا فتنه گران از اهل خیر تفاوت شوند. !!

<http://www.dailymotion.com/video/x6c6iwd>

هشدار استوار گونه و رهنمود کار ساز اخیر حضرت عطا محمد خان نورمتولی و والی روضه شریف بلخ که این خطبه بیشتر شبیه به ارائه فهرست همه زورگیران و کسانی بوده که از نشانی و آدرس جمعیت اسلامی افغانستان به نان و نوای رسیده و صاحب نام و نان شده اند ، متأ سفانه لیست بلند بالای که حضرت عطا محمد نور متولی روضه شریف آن را نه به عنوان کادر عادی جمعیت اسلامی افغانستان بلکه

علی الظاهر به حیث دومین شخص تشکیلات گسترده موسوم به جمعیت اسلامی افغانستان در مقام ریاست اجراییه آن حزب معرفی داشتند بیشترین شان دارای سوابق کاری خوب و مطلوبی نه میباشند .

## پروژه ء جابجائی داعش در شمال افغانستان!

### افسانه یا واقعیت ؟

مدتها در نوشته ها ، و تحلیل های از این قلم خوانده اید و شنیده که داعش یا " دولت اسلامی عراق و شام " از پروژه های اطلاعاتی و امنیتی در خاورمیانه بر محور منافع استراتژیک عربستان سعودی بوده است از اینکه اکثریت جنگجویان این پروژه از همان حلقه های اعراب موسوم به " عرب های افغان " تشکیل شده اند که در دوران جهاد مقدس مردم مظلوم افغانستان علیه ارتش سرخ اتحاد شوروی سابق در کنار مجاهدین افغان می جنگیدند .



نه می خواهم بدلیل ضیاع وقت داستان بنیانگذاری داعش را که در خاورمیانه ایجاد گردیده است در این مقطع تکرار بیان کنم لهذا بصورت مستقیم به پروژه ء جابجائی داعش در شمال افغانستان و نقش جناب عطاء محمد نور والی مقتدر بلخ در جلوگیری از آن اشاره میدارم تا بدانیم که این پروژه خونین تروریستی چگونه و با چه شیوه ای در افغانستان به ثمر رسیده است ؟ و آیا براستی هم با کنار رفتن عطاء محمد نور والی بلخ پروژه جنایتکارانه داعش از جنوب به شمال انتقال پیدا خواهند کرد ؟ اگر پاسخ مثبت است حامیان آن که بدون شک در بلندترین مراکز قدرت جا اشغال نموده اند با چه شیوه ها آنرا عملی میسازند ؟ و پیش زمینه های حمل و انتقال این پروژه کدام اند ؟



## چرا حنیف اتمر نخستین متهم این سناریو !

شاید بسیاری از خواننده گان عزیز این یادداشت به یاد داشته اند که وقتی جنگجویان مخالف حکومت افغانستان که ارباب حامد خان کرزی را بر اریکه قدرت نشاندند و حنیف خان اتمر نیز بر کرسی وزارت داخله افغانستان تکیه زده بود جنگجویان مخالف رژیم کابل ب صورت منظم و جوقه جوقه با طیاره ها و چرخبالیهای انگلیسی از ولایت هلمند به مزار شریف منتقل میگرددند و در زون امنیتی که جنرال مجتبی پتنگ از افسران سابق پولیس ریاست ان زون را بر عهده داشت بدون آنکه بلند پایه گان ولایت بلخ منجمله ستر جنرال عطا محمد نور والی مقتدر بلخ اجازه ورود به آن زون را داشته باشند بصورت محرمانه جابجا می گردیدند .

